

انس بن مالک و حدیث غدیر؛ نقدی بر تفسیر سید رضی - منصور پهلوان

علمی - پژوهشی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال هجدهم، شماره ۷۱ «ویژه پژوهش‌های حدیثی»، تابستان ۱۴۰۰، ص ۱۰-۲۳

انس بن مالک و حدیث غدیر؛ نقدی بر تفسیر سید رضی

منصور پهلوان*

چکیده: ماجرای خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم در حجة الوداع، از مهمترین شواهدی است که به ولایت و وصایت علی علیه السلام دلالت دارد و علی علیه السلام در مواضع مختلف بدان استشهاد کرده‌اند. یکی از این موارد در نهج البلاغه و در حکمت ۳۰۳ ذکر گردیده است. در آن حکمت، علی علیه السلام انس بن مالک را مورد خطاب و عتاب قرار داده‌اند که چرا با وجود آنکه شاهد ماجرای غدیر بوده است، بدان شهادت نمی‌دهد؟ بسیاری از کتب معتبر تاریخی و حدیثی این شأن صدور را در تویخ انس بن مالک ذکر کرده‌اند، اما متأسفانه سید رضی - رحمه الله - شأن صدور دیگری برای این حکمت ذکر کرده است. این مقاله نقد محققانه کلام اوست.

کلیدواژه‌ها: غدیر خم؛ انس بن مالک؛ برص؛ مناشده؛ سید رضی؛ نهج البلاغه؛ امامت.

یکی از حکمت‌های نهج‌البلاغه که به احتجاج علی علیه السلام به حدیث غدیر و کلام پیامبر اکرم - که در آن فرموده "من کنت مولاة فعلی مولاة" - دلالت دارد، حکمت ۳۰۳ نهج‌البلاغه است. در آن حکمت بر اساس متون تاریخی و منابع شیعه و اهل تسنن، علی علیه السلام در مسجد کوفه از مردم درخواست می‌کنند هر کس در غدیر خم شاهد خطبه پیامبر بوده، برخیزد و شهادت دهد. تعدادی برخاسته و شهادت می‌دهند، آنگاه علی علیه السلام به انس بن مالک خطاب فرموده و می‌گویند: ای انس! تو که شاهد بودی و خطابه را شنیدی چرا بر نمی‌خیزی و شهادت نمی‌دهی؟ او می‌گوید: پیر شده‌ام و به فراموشی مبتلا شده‌ام و علی علیه السلام فرموده‌اند: «إِنْ كُنْتَ كَاذِبًا فَضَرْبَكَ اللَّهُ بِمَا بَيَّضَاءَ لَامِعَةً لَا تُؤَارِيهَا الْعِمَامَةُ» قال: یعنی البرص. فأصاب أنسا هذا الداء في ما بعد في وجهه؛ فكان لا يرى إلا متبرعاً. (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۰۳)

اگر دروغ بگویی، خدا تو را به پیسی و مرضی مبتلا کند که عمامه آن را نپوشاند. (نهج‌البلاغه حکمت ۳۰۳؛ شرح ابن ابی الحدید ج ۱۹ ص ۲۱۸)

اما سید رضی - رحمه الله - در مقدمه‌ای که بر این حکمت نوشته، ذکری از حدیث غدیر نکرده و موضوع را مربوط به جنگ جمل و حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله در باره طلحه و زبیر دانسته است. وی می‌نویسد:

«و قال عليه السلام لأنس بن مالك، و قد كان بعثه إلى طلحة و الزبير لما جاء إلى البصرة، يدكرهما شيئاً سمعه من رسول الله صلی الله علیه و آله في معاهما، فلوى عن ذلك، فرجع إليه، فقال: إني أنسيْتُ ذلك الأمر». (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۰۳)

یعنی علی علیه السلام وقتی که به بصره آمد، انس بن مالک را نزد طلحه و زبیر فرستاد تا سخنی را که از رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره ایشان شنیده به آنها یادآوری کند. انس از این کار سر باز زد و به سوی او بازگشت و گفت: من پیر شده‌ام و آن سخن را فراموش کرده‌ام.

سید رضی در سخنان خود، به کلام پیامبر اکرم در باره طلحه و زبیر اشاره‌ای

نمی‌کند، اما بعضی از شروح نهج البلاغه در توضیح کلام سید رضی گفته‌اند: مقصود این حدیث پیامبر اکرم بوده است: «انکما ستقاتلان علیاً و انتما له ظالمان» (شرح ابن میثم بحرانی ذیل حکمت ۳۰۳)

ولی این درخواست شهادت علی علیه السلام از انس بن مالک، مربوط به ماجرای خطیر و عظیم غدیر خم و حدیث "من کنت مولاه فعلی مولاه" است، نه جمله‌ای از رسول اکرم خطاب به طلحه و زبیر که در آن فرموده باشند: "شما به زودی با علی کارزار می‌کنید و شما به او ستم می‌کنید".

در زیر شواهد و دلایلی بر درستی این مدعا آمده است:

در دوره‌های مختلف بسیار کسان کوشیده‌اند که واقعه تاریخی غدیر خم و تأکید پیامبر اکرم بر ولایت علی علیه السلام را از خاطره‌ها محو کنند و برخی هم ناخواسته چنین کرده و به راه آنان رفته‌اند. واقعه غدیر خم و خطبه تاریخی پیامبر اکرم آن چنان عظیم بود که پس از گذشت قریب به سی سال هنوز کسانی بودند که آن را در کوفه گزارش کنند.

۱. سیدرضی هیچ مأخذی برای تفسیر خود از کلام علی علیه السلام ذکر نمی‌کند و ما نمی‌دانیم مستند او در این سخنان چیست؟ اما با جستجوی گسترده در کتاب‌های حدیث و تاریخ به جرأت می‌توان گفت که هیچ منبعی پیش از سید رضی این سخنان علی علیه السلام را مربوط به جنگ جمل و پیشگویی پیامبر از احوال پسین طلحه و زبیر ندانسته است.

۲. جمله «انکما ستقاتلان علیاً و انتما له ظالمان» در هیچ یک از منابع حدیثی شیعه و یا اهل تسنن وارد نشده و بر اساس تحقیق، اول بار در شرح ابن میثم بحرانی (متوفای ۶۷۹) ذیل همین حکمت ۳۰۳ نهج البلاغه ورود یافته است، اما در منابع حدیثی و یا تاریخی، آن هم پیش از سید رضی، اثری از آن نیست.

۳. ابن قتیبه دینوری (متوفای ۲۷۲ هجری) - که از ادیبان و مورخان بزرگ اهل تسنن است و کتاب‌های ارزشمندی همچون المعارف، عیون الاخبار، ادب الکاتب و الامامة و السياسة از او باقی است - حدیث را مربوط به غدیر خم و اعلام ولایت علی علیه السلام پس از پیامبر اکرم می‌داند. وی در این باره می‌نویسد:

«أنس بن مالك كان بوجهه برص، و ذكر قوم: أنَّ علياً رضي الله عنه سأل عن قول رسول الله: «اللهم وال من والاه و عاد من عاداه»، فقال: كبريت سني و نسيت، فقال علي: إن كنت كاذباً فضربك الله ببضاء لا تُوارِها العمامة». (المعارف ج ۱ ص ۲۵۱)

۴. مورخ بزرگ جهان اسلام احمد بن یحیی معروف به بلاذری (متوفای ۲۷۹ هجری) و نویسنده کتاب‌های ارزشمندی همچون فتوح البلدان و انساب الاشراف در این باره می‌نویسد:

قال علي على المنبر: «أشهد الله رجلاً سمع رسول الله يقول يوم غدیر خُم: اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه، إلا قام و شهد؛ و تحت المنبر أنس بن مالك، و البراء بن عازب، و جریر بن عبد الله البجلي. فأعادها فلم يحبه أحد. فقال: «اللهم من كنتم هذه الشهادة و هو يعرفها، فلا تُخرجه من الدنيا حتى تجعل به آية يُعرف بها». قال أبو وائل: فبرص أنس، و عمى البراء، و رجع جریر أعرابياً بعد هجرته، فأتى الشُّرة، فمات في بيت أمة. (انساب الاشراف ج ۲ ص ۱۵۶ حدیث ۱۶۹)

یعنی: در پای منبر، انس بن مالک و براء بن عازب و جریر بن عبدالله بجلي نشسته بودند. علی علیه السلام آن درخواست را تکرار کرد، اما هیچ یک از آنان اجابت نکردند. آنگاه علی علیه السلام فرمود: بارالها اگر کسی می‌داند و آن را کتمان می‌کند، پیش از آنکه از دنیا برود، بر او نشانه و علامتی بنه و قرار ده تا بدان علامت شناخته گردد. بعد از آن، انس به پیسی مبتلا شد و براء نابینا گردید و جریر به جاهلیت بازگشت و به سرزمین شراه آمد و در منزل کنیزی درگذشت.

۵. دیگر از کسانی که به ماجرای مناشده امیر مؤمنان علی علیه السلام در کوفه تصریح کرده،

ابوعبدالله احمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱ هجری) است. او پیشوای حنبله و یکی از رؤسای مذاهب اربعه اهل تسنن است و کتاب مسند او از مهمترین منابع حدیثی اهل تسنن به شمار می آید. وی در آن کتاب می نویسد:

عن عبد الرحمن بن أبي ليلى قال: شهدت علياً رضي الله عنه في الرحبة ينشد الناس؛ أنشد الله من سمع رسول الله صلى الله عليه [و آله] وسلم يقول يوم غدیر خم: من كنت مولاه فعلى مولاه لما قام فشهد. قال عبد الرحمن: فقام اثنا عشر بدریا كأنى أنظر إلى أحدهم. فقالوا: نشهد أنك سمعنا رسول الله صلى الله عليه [و آله] وسلم يقول يوم غدیر خم: أأست أولى بالمؤمنين من أنفسهم و أزواجی أمهاتهم؟ فقلنا: بلى یا رسول الله. قال: فمن كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه (مسند احمد بن حنبل ج ۱ ص ۱۱۹).

عبد الرحمن بن أبی لیلی می گوید: علی رضی الله عنه در همان سرزمین کوفه مردم را سوگند داد که هر کس در روز غدیر خم این کلام را از پیامبر اکرم شنیده است، برخیزد و گواهی دهد و دوازده تن از بدریون برخاستند و شهادت دادند. ۶. ابن رسته (متوفای حدود ۳۰۰ هجری). او دانشمندی بزرگ، هیوی و جغرافیادان است و معروفترین کتاب او "الأعلاق النفیسة" نام دارد. او در این باره می نویسد: «أنس بن مالك، كان بوجهه برص، و يذكر قوم أن علي بن أبي طالب رضي الله عنه سأله عن شيء؛ فقال: كبرت سني و نسيت! فقال علي: إن كنت كاذباً فضربك الله ببضء لا تواربها العمامة (الأعلاق النفیسة، ص ۲۲۱).

۷. ابو منصور ثعالبی (متوفای ۴۲۹ هجری) از دانشمندان و ادیبان ادب عربی است و کتاب های بسیاری دارد از جمله: فقه اللغة، التمثیل و المحاضرة، المنتحل، تحفة الوزراء، سحر البلاغة، الاعجاز و الايجاز، ثمار القلوب، لطائف المعارف، درر الحكم و غيره. او در باب شأن صدور کلام علی علیه السلام می نویسد:

«و كان أنس بن مالك رضي الله عنه أبرص، و ذكر قوم أن علي ابن أبي طالب- كرم الله وجهه- سأله عن قول النبي صلى الله عليه [و آله] و سلم فيه: «اللهم وال من والاه و عاد من

عاده». فقال: قد كبرت و نسيت! فقال علي: «إن كنت كاذباً فضربك الله بيضاء لا توريتها العمامة»، فأصابه برص (لطائف المعارف ص ۱۰۵).

داستان مبتلا شدن انس بن مالک مشهور است و در کتاب‌های بسیاری آمده است؛ از جمله: تهذیب الکمال ج ۳ ص ۳۷۵، تاریخ الاسلام ج ۶ ص ۲۹۵، سیر أعلام النبلاء ج ۳ ص ۴۰۵.

۸. حافظ ابونعیم اصفهانی (متوفای ۴۳۰ هجری) محدث و مؤلف نامدار جهان اسلام است. از اساتید او حاکم نیشابوری و طبرانی و از شاگردان او خطیب بغدادی را ذکر کرده‌اند و از کتاب‌های او حلیه الاولیاء و اخبار اصبهان است. ابو نعیم اصفهانی این ماجرا را از استادش حافظ طبرانی نقل کرده و در ادامه می‌نویسد:

«فقاموا کلهم فقالوا: نعم، و قعد رجل: فقال: «ما منعك أن تقوم؟» فقال: يا أمیرالمؤمنین کبرت و نسیت! فقال: «اللهم إن كان كاذباً فاضربه ببلاء حسن». قال: فما مات حتى رأينا بين عينيه نكتة بيضاء لا توريتها العمامة (حلیه الاولیاء ج ۵ ص ۲۶ - ۲۷).

ابو نعیم همین روایت را در کتاب دیگر خود اخبار اصبهان ج ۱ ص ۱۰۷ تا عبارت "اللهم وال من والاه و عاد من عاداه" نقل کرده است.

۹. ابن اثیر، ابو الحسن علی بن ابی الکرم (متوفای ۶۳۰ هجری) که از رجال شناسان و مورخان اسلامی است، در کتاب بزرگ خود که در شناخت صحابه پیامبر اکرم نوشته است، از ابو اسحاق نقل می‌کند که راویان حدیث مناشده علی (علیه السلام) در کوفه و مبتلا شدن برخی از کتمان کنندگان واقعه غدیر به کوری و پیسی، فراوان و بی‌شمارند.

قال أبو إسحاق: وحدثني من لا أحصى أن عليا نشد الناس في الرحبة: "من سمع قول رسول الله ﷺ: من كنت مولاة فعلى مولاة، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه." . فقام نفر، فشهدوا

أَنَّهُمْ سَمِعُوا ذَلِكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَكُنْتُمْ قَوْمٌ، فَمَا خَرَجُوا مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى عَمَوْا، وَأَصَابَتْهُمْ آفَةٌ (أسد الغابة ج ۳ ص ۴۹۲ رقم ۳۳۸۲).

اینکه دانشمندی همچون ابن اثیر در کتابش أسدالغابة راویان مناشده غدیر را بی‌شمار و غیرقابل احصاء می‌خواند، واقعاً شگفت‌انگیز است.

۱۰. ابوحامد عبد الحمید معروف به ابن ابی الحدید (متوفای ۶۵۶ هجری) شارح معتزلی نهج البلاغه در دو موضع از کتابش، از این حدیث سخن گفته است. ابتدا در ذیل همین حکمت ۳۰۳ نوشته است:

«مشهور آن است که علی عليه السلام در سرزمین کوفه مردم را سوگند داد که هر کس این حدیث پیامبر اکرم را در بازگشت از حجة الوداع در روز غدیر خم شنیده است، برخیزد و گواهی دهد: من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه.

جمع بسیاری برخاستند و گواهی دادند. علی عليه السلام به انس بن مالک رو کردند و فرمودند: انس! تو که حاضر بودی پس چرا گواهی نمی‌دهی؟ انس گفته است یا امیرالمؤمنین! به کبر سن مبتلا شده‌ام و آنچه که فراموش کرده‌ام بیشتر از چیزی است که به یاد می‌آورم. امام فرمودند: اگر دروغ بگویی خدا ترا به برصی مبتلا کند که عمامه آن را نپوشاند و او به این مرض مبتلا گردید (شرح نهج البلاغه ج ۱۹ ص ۲۱۸).

ابن ابی الحدید آنگاه کلام سید رضی در باره این حدیث را ناشناخته و غیر معروف می‌خواند و با دلیل آن را ردّ می‌کند. وی می‌نویسد:

«فأما ما ذكره الرضی من أنه بعث أنسا إلى طلحة والزبير فغير معروف، ولو كان قد بعثه لذكرهما بكلام يختصّ بهما من رسول الله ﷺ لما أمكنه أن يرجع فيقول إني أنسيته، لأنه ما فارقه متوجّها نحوهما إلا وقد أقرّ بمعرفته و ذكره، فكيف يرجع بعد ساعة أو يوم فيقول إني أنسيته، فينكر بعد الاقرار!» (همان)

آنچه رضی گفته است که او انس را به نزد طلحه و زبیر فرستاد، مطلبی غیر

معروف و ناشناخته است و اگر او را فرستاده بود تا کلامی را که از پیامبر اکرم در باره آنها شنیده به آنها یادآوری کند، امکان نداشت که باز گردد و بگوید من آن را فراموش کرده‌ام؛ زیرا قبل از حرکت و رفتن باید می‌گفت من فراموش کرده‌ام و چیزی به خاطر ندارم. و اینکه رفته است و بعد از مدتی مراجعت کرده و گفته پیر شده‌ام و فراموش کرده‌ام، نشانه آن است که امری مهمتر از یادآوری یک سخن به آن دو، در میان بوده است.

وی در پایان می‌گوید:

«و قد ذكر ابن قتيبة حديث البرص، و الدعوة التي دعا بها أمير المؤمنين عليه السلام على أنس بن مالك في كتاب المعارف في باب البرص من أعيان الرجال، وابن قتيبة غير متهم في حق علي عليه السلام، علي المشهور من أخرافه عنه». (همان)

یعنی: ابن قتیبه دینوری حدیث برص و دعای امیرالمؤمنین علیه انس بن مالک را در کتاب المعارف باب برص آورده و ابن قتیبه از مردان شاخص و بزرگ است و او متهم به دوستی با علی عليه السلام نیست، زیرا چنان که مشهور است او علوی و امامی نیست.

ابن ابی الحدید، ذیل خطبه ۵۶ نیز از این موضوع سخن گفته است که در آن اسامی بعضی از صحابه منحرف از امیرالمؤمنین عليه السلام را ذکر کرده است. در آنجا می‌گوید:

«و ذكر جماعة من شيوخنا البغداديين أنّ عدّة من الصحابة و التابعين و المحدثين كانوا منحرفين عن علي عليه السلام، قائلين فيه السوء، و منهم من كتم مناقبه و أعان أعداءه ميلاً مع الدنيا، و إثارة للعاجلة، فمنهم أنس بن مالك، ناشد علي عليه السلام الناس في رجة القصر - أو قال رجة الجامع بالكوفة - : أياكم سمع رسول الله صلى الله عليه [و آله] و سلم يقول: "من كنت مولاه فعلي مولاه؟" فقام اثنا عشر رجلاً فشهدوا بها، و أنس بن مالك في القوم لم يقم، فقال له: يا أنس، ما يمنعك أن تقوم فتشهد، ولقد حضرتها! فقال: يا أمير المؤمنين، كبرت و نسيت، فقال: اللهم إن كان

کاذباً فارمه بها بیضاء لا تواربها العمامة. قال طلحة بن عمير: فوالله لقد رأيت الوضع به بعد ذلك أبيض بين عينيه» (شرح نهج البلاغه ج ۴ ص ۷۴).

خلاصه ترجمه آنکه: برخی از شیوخ بغدادی ما می‌گویند برخی از صحابه و تابعان و نو رسان، بدگویی علی (ع) را می‌کردند و برخی هم به دلیل دنیا دوستی و ترجیح دنیا بر آخرت، فضایل و مناقب او را کتمان می‌کردند. از زمره آنان انس بن مالک بود. هنگامی که علی در کوفه مناشده کرد و مردم را سوگند داد که هر کس از پیامبر اکرم حدیث "من کنت مولاہ فعلی مولاہ" را شنیده برخیزد و شهادت دهد، دوازده تن برخاستند، اما انس برنخواست و شهادت نداد...الی آخر.

۱۱. ابن کثیر دمشقی (متوفای ۷۷۴ هجری) مفسر و مورخ و محدث بزرگ اسلامی است که شافعی مذهب بود و در دمشق از اساتیدی همچون آمدی و ابن تیمیه بهره برد. او در چندین موضع از تاریخ خود به این ماجرا اشاره می‌کند؛ از جمله این گزارش:

«عن عميرة بن سعد: أنه شهد علياً على المنبر، ينادي أصحاب رسول الله من سمع رسول الله يوم غدیر خم؛ فقام اثنا عشر رجلاً منهم ابوهريّة و ابو سعيد و انس بن مالك؛ فشهدوا أنّهم سمعوا رسول الله يقول: من كنت مولاہ فعلي مولاہ، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» (البداية و النهاية ج ۵ ص ۲۱۱).

۱۲. علاءالدین علی بن حسام الدین معروف به متقی هندی (متوفای ۹۷۵ هجری) از بزرگترین محدثان حنفی به این ماجرا و مبتلا شدن انس بن مالک چنین اشاره می‌کند:

«عن عبد الرحمن بن أبي ليلى قال: خطب علي، فقال: أنشد الله امرأ نشدة الإسلام سمع رسول الله صلى الله عليه [و آله] وسلم يوم غدیر خم أخذ بيدي يقول: أأست أولى بكم يا معشر المسلمين من أنفسكم؟ قالوا: بلى يا رسول الله! قال: "من كنت مولاہ فعلي مولاہ، اللهم! وال من

والاه و عاد من عاداه، و انصر من نصره و اخذل من خذله" إلا قام فشهد! فقام بضعة عشر رجلاً فشهدوا و كتم قوم؛ فما فتوا من الدنيا إلا عموا وبرصوا.» (کنز العمال ج ۱۳ ص ۱۳۱ حدیث ۳۶۴۱۷)

متقی هندی نقل می‌کند که در این مناشده بین سیزده تا نوزده تن برخاستند و شهادت دادند، اما برخی هم شهادت را کتمان کردند، که پیش از مرگ یا کور شدند و یا به مرض پیسی مبتلا گشتند. البته عبد الرحمن تصریح نمی‌کند که چه کسی به مرض پیسی یا برص مبتلا شد.

۱۳. جلال الدین سیوطی (متوفای ۹۱۱ هجری) ادیب، مورخ و محدث شافعی مذهب نیز ضمن نقل ماجرا از مسند احمد بن حنبل، تاریخ این مناشده در کوفه را نیز بیان کرده و آن را مربوط به اوایل حکومت امام علی در کوفه و تعداد شهادت دهندگان را سی تن گزارش کرده است، وی می‌نویسد:

«و لأحمد عن أبي الطفيل قال: جمع على الناس سنة خمس و ثلاثين في الرحبة؛ ثم قال لهم: أنشد بالله كل امرئ مسلم سمع رسول الله صلى الله عليه [و آله] و سلم يقول يوم غدیر خم ما قال، لما قام. فقام إليه ثلاثون من الناس فشهدوا أن رسول الله صلى الله عليه [و آله] و سلم قال: من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» (تاریخ الخلفاء، الاحادیث الواردة فی فضله).

۱۴. دلیل دیگری که بر نادرستی تفسیر سید رضی رحمه الله دلالت دارد، این است که اگر کسی سخنان پیامبر اکرم را که در خفا به طلحه و زبیر فرموده باشد، نشنیده یا در خاطر نداشته باشد، مستوجب لعن و نفرین علی علیه السلام نخواهد بود، علی الخصوص که آن سخن در هیچ یک از کتابهای حدیثی نقل نشده باشد؛ اما اگر کسی فضیلتی از فضایل علی علیه السلام را که پیامبر در حضور هزاران تن در غدیر خم بیان فرموده و بسیاری از کتب حدیثی آن را گزارش کرده باشند، کتمان کند، آنهم

اگر آن شخص دربان و خدمتکار مخصوص پیامبر باشد، الحق که شایسته لعن و نفرین خواهد بود.

چند نکته

۱. علی علیه السلام در جنگ جمل و در بصره با طلحه و زبیر - بی واسطه - گفتگو کرده و آنان را به احادیث پیامبر اکرم دلالت کرده‌اند، از این رو نیازی به درخواست کردن از اشخاصی همچون انس بن مالک برای ابلاغ این احادیث وجود نداشته است. حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۵ هجری) از رفاعه چنین نقل می‌کند:

«کنا مع علیّ يوم الحمل، فبعث الى طلحة بن عبيدالله أن ألقى. فأتاه طلحة، فقال: ناشدتك بالله هل سمعت رسول الله يقول: "من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه؟" قال طلحة: نعم، قال: فلم تقايني؟ قال: لم أذكر، فانصرف طلحة» (المستدرک ج ۳ ص ۳۷۱).

۲. احادیثی که در فوق بدان استناد کرده‌ایم، همه از منابع معتبر اهل تسنن است، زیرا گفته‌اند:

خوشر آن باشد که سرّ دلبران

گفته آید در حدیث دیگران

اما بی مناسبت نیست به یک مورد از منابع شیعی هم اشاره کنیم:

ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید (متوفای ۴۱۲ هجری) در این باره در کتاب ارزشمند خود الارشاد می‌نویسد:

«حدّثنا طلحة بن عميرة قال: نشد عليّ عليه السلام النَّاسُ في قول النبي صلى الله عليه وآله: "من كنت مولاه فعلى مولاه؟" فشهد اثنا عشر رجلا من الأنصار، و أنس بن مالك في القوم لم يشهد. فقال له أمير المؤمنين عليه السلام: يا أنس. قال: لبيك، قال: ما يمنعك أن تشهد و قد سمعت ما سمعوا؟ فقال: يا أمير المؤمنين، كبرت ونسيت، فقال أمير المؤمنين عليه السلام: اللهم إن كان كاذبا فاضربه ببياض - أو بوضح - لا تواريه العمامة» (الارشاد ج ۱ ص ۳۵۱).

سید رضی و برادرش سید مرتضی هر دو در بغداد از شاگردان شیخ مفید بودند. ملاحظه می‌شود که استاد و شیخ سید رضی هم این ماجرا را مربوط به واقعه غدیر خم می‌دانند، نه کلامی در باره طلحه و زبیر.

۳. اما در جواب این سؤال که "چرا سید رضی - رحمه الله - ماجرای مناشده به حدیث غدیر را در مقدمه کلام علی علیه السلام به انس بن مالک، ذکر نکرده است؟" باید بگوییم: سید رضی ادیب و شاعر است و دیوان بزرگی که از وی بر جای مانده است دلالت بر این مدعا دارد. او محدث نیست و روایات را با سلسله سند روایت نمی‌کند، و نمی‌دانیم تا چه حدودی بر کتاب‌های حدیثی وقوف داشته است. مسلماً او مانند شیخ مفید و یا برادرش سید مرتضی متضلع در این فن نبوده است. آری او ادیب است، نه محدث. و بی‌جهت نیست که نام مجموعه گرانسنگ خود را نهج البلاغه نامیده است، او از دیدگاه بلاغت و فصاحت به سخنان امام علی علیه السلام نگریسته و توضیحات او بر کلمات امام، غالباً ادبی و لغوی است.

در پایان بی‌مناسبت نیست شمه‌ای از صفات و ویژگی‌های انس بن مالک را ذکر کنیم، این صفات و ویژگی‌ها در بیشتر کتاب‌های تراجم و رجال ذکر شده است و ما آنها را از کتاب سیر اعلام النبلاء تألیف ابو عبدالله شمس الدین ذهبی نقل می‌کنیم. ۱. او انصاری و خزرچی بود و هنگامی که پیامبر به مدینه آمد، هشت ساله یا ده ساله بود.

۲. مادرش او را به عنوان خدمتکار تقدیم پیامبر کرد.

۳. در سال ۳۵ هجری که انس گفته است پیر شده‌ام و فراموشی بر من غالب شده است، فقط ۴۳ سال داشت و پس از آن ۶۰ سال دیگر در قید حیات بود.

۴. او از اشخاص زیر نقل روایت می‌کند: پیامبر، ابوبکر، عمر، عثمان، معاذ، اسید بن حضیر، ابی طلحه، ابوهریره، عباده بن صامت، مالک بن صعصعه. اما از علی علیه السلام روایت

نقل نکرده است.

۵. مسند او شامل ۲۲۸۶ روایت است و بخاری و مسلم ۱۸۰ روایت از او نقل کرده‌اند.

۶. او مردی ثروتمند و پر اولاد بود و آن جلال را مدیون پیامبر می‌دانست که در دعای بر او فرموده بود: «اللهم أكثر فی ماله و ولده». شمار فرزندان و نوه‌های او هنگام وفات، بالغ بر صد تن بوده است.

۷. حماد بن سلمة گوید: «أخبرنا عبید الله بن أبی بکر، عن أنس، قال: استعملنی أبو بکر علی الصدقة، فقدمت و قد مات، فقال عمر: یا أنس أجتئنا بظهر؟ قلت: نعم. قال: جئنا به، و المال لك. قلت: هو أكثر من ذلك. قال: وإن كان، فهو لك. و كان أربعة آلاف».

۸. او متوقع اکرام و احترام فوق‌العاده از ناحیه مردم بود و می‌گفت: «إنی خدمت رسول الله - صلی الله علیه و سلم - تسع سنین، والله لو أن النصارى أدرکوا رجلا خدم نبیهم، لأکرموه».

اگر نصارا خادم عیسی را می‌یافتند، او را بسیار تکریم می‌کردند.
۹. او بیماری برص داشت و سپیدی شدیدی صورتش را فرا گرفته بود و لقمه‌های بزرگ بر می‌داشت.

کان أنس بن مالک أبرص و به وضع شدید، و رأیته يأکل، فیلقم لقمًا کبارًا.

۱۰. آن عمامه که علی علیه السلام فرموده بود بر سر و صورت او افتاده بود.

قال سلمة بن وردان: رأیت علی أنس عمامة سوداء قد أرخاها من خلفه.

۱۱. حجاج به او گفته بود: «یا خبیث، جوال فی الفتن، مرة مع علی، ومرة مع ابن الزبیر، ومرة مع ابن الأشعث. أما والذی نفسی بیده، لأستأصلنک كما تستأصل الصمغة، و لأجردنک كما یجرد الضب». قال: یقول أنس: من یعنی الأمير؟ قال: إیاک أعنی، أصم الله سمعک. قال: فاسترجع أنس!

۱۲. او در سن ۱۰۳ سالگی درگذشت.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. احقاق الحق و ابطال الباطل و ملحقات الاحقاق، آية الله مرعشي، جلد ۶ صفحات ۳۰۵ تا ۳۴۰ و جلد ۸ صفحات ۷۴۱ تا ۷۴۸.
۲. اخبار اصفهان، ابو نعيم اصفهانی، دار الكتب العلمية، ۳ مجلد.
۳. اسد الغابه في معرفة الصحابة، ابن اثير جزري، مجلد سوم.
۴. الاعلاق النفيسة، ابو علي احمد بن عمر، ابن رسته، مطبعة بيزل.
۵. انساب الاشراف، احمد بن يحيى بلاذري، ۳ مجلد، بيروت.
۶. بحار الانوار، محمد باقر مجلسي، مجلد ۴۱، صفحات ۲۰ تا ۲۰۴، تهران.
۷. البداية و النهاية، ابن كثير دمشقي، ۱۵ مجلد، بيروت.
۸. تاريخ الاسلام، شمس الدين ذهبي، تحقيق: عمر عبد السلام تدمري، دار الكتاب العربي.
۹. تاريخ الخلفاء، جلال الدين سيوطي، يك مجلد، بيروت.
۱۰. تهذيب الكمال، يوسف بن عبدالرحمن مزني، ۳۵ مجلد، بيروت.
۱۱. حلية الاولياء ابو نعيم اصفهانی، دار الكتاب العربي، بيروت.
۱۲. سير اعلام النبلاء، شمس الدين ذهبي، دار الحديث، قاهره.
۱۳. شرح نهج البلاغه، ابن ميثم بحراني، مؤسسة النصر، تهران.
۱۴. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحديد، تحقيق: محمد ابو الفضل ابراهيم.
۱۵. الغدير، عبدالحسين اميني، مجلد اول صفحات ۳۸۸ به بعد، بيروت.
۱۶. كنز العمال، متقي هندی، تحقيق: محمود عمر الدمياطي، دار الكتب العلمية.
۱۷. لطائف المعارف، ابو منصور ثعالبي، دار ابن كثير، بيروت.
۱۸. المستدرک على الصحيحين، حاكم نيشابوري، مجلد سوم.
۱۹. مسند احمد، ابو عبدالله حنبل، تصحيح احمد شاكر، دار الحديث، قاهره.
۲۰. المعارف، ابن قتيبه، تحقيق: ثروت عكاشة، مصر.